

تحلیل عوامل مؤثر قدرت در توسعه شهری با روش FAHP نمونه موردی: شهر قزوین (۱۳۵۷-۱۳۹۷)

هومن باباپور

دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

زهرة داودپور*

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مریم معینی فر

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

چکیده

شهر فضای تعامل قدرت‌های مختلف است؛ جایی که در آن تمرکز قدرت‌ها و فرهنگ‌ها متبلور شده است. قدرت به مثابه «نهاد» و حاکمیت به مثابه «ساختار» تلقی شده و رابطه آن‌ها با یکدیگر براساس این دو مفهوم تعیین شده است که بر توسعه شهر اثرگذار است. لذا، در این مقاله به تحلیل و بررسی عوامل مؤثر قدرت در توسعه شهر قزوین بر اساس ابعاد سیاسی-قانونی (ایدئولوژیک)، اجتماعی-فرهنگی (هویتی)، اقتصادی و ارتباطی-زیرساختی پرداخته شده است. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد که در آن با مدل تحلیل سلسله مراتبی فازی به تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته شده است. هم‌چنین، به منظور ارزیابی میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر قدرت در شهر قزوین، از ۲۵ خبره استفاده گردیده و از طریق انجام مصاحبه، اقدام به استخراج نظرها و دیدگاه‌های آن‌ها شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه سیاسی و ایدئولوژیک در جایگاه نخست واقع شده و از لحاظ اثرگذاری، بیشترین نقش را در قدرت شهرسازی شهر قزوین داشته است. مؤلفه‌های نیاز شهرداری به کسب درآمد و قوانین و مقررات نیز به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارند و در نهایت مؤلفه‌های ارتباطی، ضعف قدرت سیاسی و عدم استقلال عملکردی (شهرداری) و ایجاد شهرک‌های صنعتی، به ترتیب کمترین نقش را در قدرت شهرسازی شهر قزوین داشته است.

واژگان کلیدی: قدرت، برنامه‌ریزی شهری، توسعه شهری، قزوین.

مقدمه

شهر فضای تعامل قدرت‌های مختلف است؛ جایی که در آن تمرکز قدرت‌ها و فرهنگ‌ها متبلور شده است. عناصر یا کنشگران قدرت شهری را می‌توان عبارت از هر فرد، گروه و یا سازمانی دانست که با استفاده از منابع در اختیار خود و از طریق تنظیم کنش و رفتار خود می‌توانند تاثیری هرچند اندک در تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اقدامات و رفتار سایر کنشگران شهری داشته باشند. این عناصر یا کنشگران ممکن است در درون شهر یا منطقه شهری یا خارج از آن مستقر باشند (Kazemian, 2018: 15). قدرت به مثابه «نهاد» و حاکمیت به مثابه «ساختار» تلقی شده و رابطه آن‌ها با یکدیگر، براساس این دو مفهوم تعیین شده است. از طرف دیگر هندسه قدرت به مثابه چیدمان عناصر سیاسی و اقتصادی در کشور و روابط حاکم بر آن‌ها، و شیوه تعامل میان اجزای حاکمیت و کنشگرهای خارج از آن و نهایتاً چگونگی پراکنش وزنی قدرت در اجزای اجتماع، اعم از درون حاکمیت و خارج از آن می‌باشد. استفاده از واژه حاکمیت شهری به جای مفهوم حکومت به این مسئله دلالت دارد که مدیریت شهری تنها وظیفه سازمان‌های بخش عمومی نیست، بلکه ارتباطات بین عاملان حکومتی و غیرحکومتی را نیز در بر می‌گیرد که با الگوی حکومت متفاوت است. هندسه قدرت در شهر یکی از اساسی‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بافت شهرهای ایرانی بوده است. تحول ناگهانی در رشد جمعیت شهری ایران از سال ۱۳۴۰ (ه.ش) تحت اقدامات و برنامه‌های دولت صورت پذیرفت. اصلاحات ارضی به عنوان بنیادی‌ترین دخالت دولت، شهر و شهرنشینی در ایران از رشد آرام و بطئی خارج کرده و طی ۲ دهه، آن را به عنوان الگوی غالب زندگی مطرح ساخته است. وقوع انقلاب اسلامی با تأثیرگذاری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی، شهرسازی و شهرنشینی ایران را دگرگون ساخت و سپس تحولاتی نظیر جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی در کنار سیاست‌های خرد و کلان دولت در قالب طرح‌های توسعه شهری، تغییرات بنیادینی را در بیشتر شهرهای کشور رقم زدند؛ مجموع تحولات اجتماعی-اقتصادی، حاکمیتی و ایدئولوژیکی‌های سیاسی حاکم بر جامعه و قانون، هرکدام به عنوان یکی از ذینفعان مؤثر در شکل‌دهی به شهر معاصر ایرانی، دارای نقش برجسته‌ای می‌باشند. تحقیق حاضر سعی دارد به تحلیل عوامل قدرت در شهرسازی و ساز و کارهای تصمیم‌گیری بر توسعه شهری در چهار دهه‌ای که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، بپردازد. در این راستا شهر قزوین به عنوان مورد پژوهشی انتخاب گردیده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهر با جمعیتی بالغ بر ۵۹۶۹۳۲ نفر نوزدهمین شهر پرجمعیت ایران بوده است؛ شکل‌گیری و شکل‌دهی به ساختار فضایی و کالبدی این شهر طی چهار دهه‌ای که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، نشان دهنده تأثیرگذاری و نفوذ قدرت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی در توسعه این شهر می‌باشد. هر یک از عوامل و تحولات فوق‌تأثیراتی بر ساختار کالبدی این شهر برجای گذاشته‌اند. در این راستا، پژوهش حاضر سعی دارد به طور مبنایی و از حیث نظری به تبیین اثرات ساختاری و کارکردی ذی نفوذ و تأثیرگذار در روند توسعه کالبدی-فضایی این شهر پس از انقلاب اسلامی بپردازد. هم‌چنین قابل ذکر است که با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای و روش آن توصیفی-تحلیلی است. داده‌های

مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و به صورت مشاهدات میدانی جمع‌آوری شده‌اند. در این مطالعه، عوامل مؤثر قدرت که از نظر کارشناسان تأثیرگذار هستند، مورد بررسی قرار گرفتند و تعداد این عوامل (قوانین و مقررات، سیاسی ایدئولوژیکی، ضعف قدرت سیاسی و عدم استقلال عملکردی شهرداری، جغرافیای سیاسی - تاریخی، مهاجرت، ایجاد شهرک‌های صنعتی، نیاز شهرداری به کسب درآمد، توسعه محدوده‌های خدماتی، زیرساختی و ارتباطی) می‌باشد که به منظور ارزیابی میزان تأثیرگذاری آنها در شهر قزوین از ۲۵ خبره استفاده گردیده است و از طریق انجام مصاحبه، اقدام به استخراج نظرات و دیدگاه‌های آنها در ارتباط با موضوع تحقیق پرداخته شده است. در نهایت برای بررسی عوامل اصلی قدرت در شهر قزوین از مدل تحلیل سلسله مراتبی فازی^۱ استفاده شده است.

رویکرد نظری

قدرت

واژه قدرت با سلطه که نوعی سیادت و کنترل را در بردارد، قرابت دارد (Nezhadbahram & Jalili, 2021: 268). قدرت معادل مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی قضاوت به کار گرفته شده است (Karki, 2017). دیکشنری آکسفورد نیز تعریف زیر را از قدرت ارائه داده است: «توانایی انسان برای انجام کاری یا عملی؛ کنترل بر روی دیگران، توانایی فرد، گروه، کشور و یا دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد» (Stevenson, 2010). در تفسیر هستی‌شناختی از قدرت، نیچه بنیان‌های مدرنیته را نفی و مبانی فرامدرنیته را تثبیت می‌کند. تفسیر نیچه از رابطه انسان با جهان، مبتنی بر رابطه قدرت و دانش است. از نظر وی، دانش تجلی قدرت‌طلبی است. در تبدیل جوهره هستی از شدن به بودن، دانش، از طریق تفسیر جهان، نقش کلیدی دارد. فوکو نیز قدرت را به مثابه شبکه‌ای از روابط تلقی می‌کند. بدین معنا که معتقد است روابط قدرت در تمامی انواع ارتباطات به صورت درونی وجود دارد و روابط انسانی را باید بر مبنای قدرت تفسیر کرد و بنابراین قدرت از نظر وی به طبع نیچه به مثابه تکثر نیروها در روابط تنش‌آمیز "من - دیگری" جریان دارد (Mansoori, 2015: 126).

شرت^۲ ویژگی‌های نگرش فوکو درباره قدرت را این گونه بر می‌شمارد:

- قدرت هیچ جوهره‌ای ندارد و به همین دلیل غیر قابل تعریف است اما می‌توان انواع آن را توصیف کرد؛
- قدرت در تاریخ شکل گرفته و ماهیت آن با گذشت زمان تغییر می‌کند؛
- قدرت همه جا هست اما هیچ جایگاه و مرکزی ندارد؛
- قدرت از طریق روابط انسانی عمل می‌کند؛

^۱ FAHP (Fellow of the Association for Healthcare Philanthropy)

^۲ Short

- قدرت نه صرفاً خوب است و نه صرفاً بد، نه صرفاً مولد و نه صرفاً مخرب، بلکه می‌تواند همه شکل‌ها را داشته باشد و نمونه منفی قدرت سلطه و انقیاد است و نمونه‌ی مثبت آن، احتمالاً بر ساخت پدیده‌هایی است که برای بشر سودمند بوده‌اند؛

- قدرت هم برساخته تاریخ است و هم برسازنده (Mansoori, 2015:123).

انواع قدرت

قدرت سیاسی آشکارترین نمود قدرت است. با تشکیل جامعه انسانی و حرکت به سمت جامعه سیاسی، قدرت سیاسی اجباراً تولید می‌گردد. در معنای دیگر قدرت سیاسی مولود ظهور جامعه سیاسی^۱ است (Ayorlou and Taheri, 2016:19). جامعه سیاسی که با تکامل سازمان‌بندی اجتماعی و استقرار نظم هنجارین حقوقی همزمان با احساس تعلق افراد نسبت به آن، کلیت متمایزی نسبت به خارج به خود می‌گیرد و با سه ویژگی فراگیر و کلی بودن، خصلت الزامی داشتن و قاهرانه عمل نمودن قدرت در آن، از سایر جوامع تشخیص داده می‌شود. در قدرت اجتماعی، فریدمن بنیان‌های قدرت اجتماعی را به هشت دسته تقسیم کرده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱. فضای زندگی قابل دفاع: به منزله پایه قلمرو اقتصادی خانوار، مشتمل بر فضای خواب و در کل، فضای خانه و محله است. در معنای وسیع‌تر، این فضا جایی است که فرد با دیگران تعامل اجتماعی دارد. به دست آوردن جای پای امن و همیشگی در محله شهری دوست داشتنی (خودی) با ارزش‌ترین قدرت اجتماعی است که خانواده‌ها آمادگی دارند تقریباً هر نوع فداکاری را برای آن انجام دهند (Harris, al, 2015:773).

۲. زمان مازاد: برای اشاره به زمان در دسترس برای اقتصاد خانواده، زمان مازاد فراتر از زمان لازم برای امرار معاش به کار برده می‌شود. زمان مازاد دومین مبنای ارزشمند قدرت اجتماعی است (Rashid & Alobaydi, 2015:182).

۳. دانش و مهارت: به سطح تحصیلی و هم به تسلط خانواده به مهارت‌های ویژه اشاره دارد (Belz al, 2019:5).

۴. اطلاعات مناسب: بدون دسترسی مداوم به اطلاعات مناسب، دانش و مهارت در عمل منبع پیشرفت محسوب نمی‌شوند (Aunphattanasilp, 2019:103).

۵. سازمان اجتماعی: شامل سازمان‌های رسمی و غیر رسمی که اعضای خانواده ممکن است در آن‌ها عضو باشند؛ همچون باشگاه‌های ورزشی، گروه‌های بحث و گفتگو و سندیکاهای کشاورزی که این سازمان‌ها، نه تنها ابزاری برای زندگی مناسب‌تر بلکه منبعی از اطلاعات مناسب، حمایت متقابل و کنش جمعی را نیز فراهم می‌کنند (Spiegel, 2017:98).

۶. شبکه‌های اجتماعی: شامل شبکه‌های افقی گسترده در میان خانواده، دوستان و افراد محله با شبکه‌های عمودی در سلسله مراتب اجتماعی است (Nightingale, 2017:15).

^۱ جامعه سیاسی، جامعه‌ای است که در آن روابط فرمانروایی و فرمانبرداری از نوع سیاسی آن، توسط تشکیلات حکومتی برقرار شده باشد.

۷. ابزارهای کار و معیشت (گذران زندگی): به ابزارهای تولید خانواده گفته می‌شود و در این زمینه، می‌توان به بدن سالم و قوی (قدرت جسمی) برای تولیدکنندگان روستایی، دسترسی به آب و زمین حاصلخیز اشاره کرد (Li et al, 2017:135).

۸. منابع مالی: درآمد خالص پولی خانواده‌ها و تسهیلات اعتباری رسمی و غیررسمی است. دسترسی افراد، خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی به منابع یاد شده مبنایی برای تعیین جایگاه آنان در ساختار قدرت شهری است. خانواده‌ها اغلب به دنبال پایه محکم برای فعالیت‌هایشان هستند (در مناطق پیرامونی شهر، قطعه‌ای زمین و در شهر، مسکن مناسب حداقلی).

قدرت اقتصادی نوعی از قدرت است که هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت بکار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی بر می‌گردد. فونباشی^۱ دانشمند ژاپنی از آن به عنوان «قدرت آشکار^۲» سوزان استرنج^۳ «قدرت ارتباطی^۴» و کلاوس نور^۵ «قدرت اجبار^۶» یاد می‌کنند که در مطالعات انجام شده، همه این مفاهیم در قالب عبارت «قدرت اقتصادی» مطرح و چنین تعریف می‌شود: «دستکاری عامدانه و اندیشیده شده منابع اقتصادی توسط یک دولت و با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی اراده خودش، آن‌ها را انجام نمی‌داد» (Seif et al, 2013:13).

منابع تولید قدرت

در یک بررسی کلی می‌توان منابع قدرت را در سه نوع اصلی شناسایی نمود: نخست، منابع طبیعی و آنچه که طبیعت برای تولید قدرت در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد؛ دوم، منابع انسانی و آنچه که از جسم و درون انسان‌ها و جامعه انسانی در تولید قدرت به کار می‌آید؛ سوم، منابع ماوراء طبیعی و آنچه که بیرون از مدار طبیعت و انسان در تولید قدرت سیاسی-اجتماعی نافذ و مؤثر است (Nabavi, 2009:122).

نقش قدرت در برنامه‌ریزی

فضا به صورت کلیتی به درون شیوه جدید تولید سرمایه‌داری وارد می‌شود. از فضا برای تولید ارزش اضافی استفاده می‌شود. زمین، زیرزمین، هوا و حتی نور وارد نیروهای تولیدی آن می‌شود. کارخانه شهری، با شبکه‌های متعدد ارتباطات و تبادلات، بخشی از تولید است. شهر و تأسیسات متعددش (بندرگاه‌ها، فرودگاه‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن و مانند آن) همگی بخشی از سرمایه هستند. پیترو آمبروز نیز در کار تحقیقی خود^۷، فرایندهایی را که تولید محیط شهری و ایجاد محیط‌های نامتجانس را موجب می‌شوند، تحلیل کرده است. آمبروز در پی آن است تا نشان دهد که محیط شهری، محیطی انسان‌ساخت و عینی است؛ که آئینه روابط قدرت موجود در جامعه به شمار می‌آید. او در بررسی خود، برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های

¹ Funbashi

² Revealed Power

³ Susan Strange

⁴ Relation Power

⁵ Klauss Knorr

⁶ Coercive Power

⁷ Ambrose (1994), Urban Process and Power, London, Routledge

موجود در کیفیت محیط شهری و نقش ایدئولوژی‌ها و سیاست‌هایی را نیز تحلیل می‌کند که موجب تغییر محیط شهری شده‌اند (Muchadenyika, 2017). میزان قدرت کنشگران و شیوه اعمال آن، موضوعی است که به تحلیل بیشتری نیاز دارد. در واقع مسئله مهم و پیچیده این است که از چه راهی می‌شود دریافت فرد یا گروه اعمال‌کننده قدرت سیاسی، این کار را چگونه انجام می‌دهند و به چه طریقی می‌توان حدود قدرت آن‌ها را اندازه گرفت. در این باره فقط چند رهنمون کلی وجود دارد. به عقیده دال، قدرت را بر پایه عظمت، توزیع، عرصه و جامعیت می‌توان توصیف کرد. او چهار روش برای سنجش قدرت برشمرده است: ۱- سنجش قدرت بر اساس موقعیت رسمی بازیگر ۲- ارزشیابی قدرت بازیگر از سوی موسسه مستقل بررسی‌کنندگان برجسته و بی‌طرف ۳- حق مشارکت در تصمیم‌گیری حد قدرت خاصی را معین می‌کند ۴- بررسی تطبیقی فعالیت‌های بازیگران سنجش که قدرت آن‌ها را میسر می‌کند. اما این روش‌ها تنها روش‌های مورد اتکای پژوهشگران نیستند. در واقع، سنجش دقیق قدرت افراد بسیار دشوار است؛ زیرا قدرت، در تحلیل نهایی، توصیفی است.

مفهوم طرح‌های توسعه شهری در ایران و جهان

مطالعات نشان‌دهنده وجود هماهنگی عمل در نظم کالبدی و نظام‌های اجتماعی-اقتصادی در بسیاری از کشورها می‌باشد و از این رو، مفهوم طرح‌های توسعه شهری جدا از مفهوم برنامه‌ریزی یکپارچه بخشی‌های عمومی و خصوصی نمی‌باشد و موفقیت و کارایی آن در گرو هماهنگی کارکرد کلیه بخش‌های عمومی و خصوصی در سایه برنامه‌ریزی سیستماتیک است (SharmandConsulting Engineers, 2014:19). مقایسه ۱۰ کشور جهان در زمینه مفهوم طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد که این کشورها دارای طرح توسعه ملی و منطقه‌ای زمان‌بندی شده بودند که رهنمودهایی کلی برای نظم دهی فضایی-کالبدی به سراسر کشور ارائه داده‌اند. در این میان در کشورهای آلمان و هلند، طرح‌ها، جنبه مشورتی داشته و در سایر نمونه‌ها، طرح توسعه ملی-منطقه‌ای، دارای جنبه قانونی و لازم‌الاجرا می‌باشند. بدین ترتیب، هماهنگی طرح توسعه شهری با استراتژی‌ها و اهداف توسعه ملی-منطقه‌ای از نکات مهم و برجسته طرح‌های توسعه شهری در کشورهای جهان می‌باشد که می‌تواند به عنوان معیار ارزیابی در مفهوم طرح‌های توسعه شهری استفاده گردد. براساس این معیار، کشورهای انگلستان، ژاپن، فرانسه، آمریکا و استرالیا از هماهنگی کامل و کشورهای آلمان، کانادا، دانمارک و برزیل و هلند از هماهنگی طرح توسعه شهری با استراتژی‌ها و اهداف توسعه ملی-منطقه‌ای برخوردار بوده‌اند (SharmandConsulting Engineers, 2014:21).

پیشینه پژوهش

در راستای موضوع مورد پژوهش تاکنون مطالعاتی در داخل و خارج صورت گرفته است که در ادامه به مهمترین و مرتبط‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: نژادبهرام، زهرا و جلیلی، سید مصطفی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تبیین مفهوم «قدرت شهر» و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران" به منظور تمیز دادن مفهوم قدرت شهر با مفاهیم مشابه آن است که ماحصل آن شکل‌گیری مؤلفه جدید و اثرگذار در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه شهری است. بر

اساس نتایج پژوهش آن‌ها قانونمندی‌ها بر اساس ابعاد نهادی، ساختاری، مدیریتی، کالبدی و به رسمیت شناخته شدن دانش شهری می‌توانند به‌عنوان مؤلفه جدید در تصمیمات، برنامه‌ها و اجرای آن‌ها با توجه به قدرت در شهر در نظر گرفته شوند. رحیمی، محمد (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل عناصر قدرت شهری در دوره‌های تاریخی و معاصر" چنین مطرح می‌نماید که با بررسی عناصر قدرت شهری در ادوار گذشته و حال، هرچه به جلو قدم می‌گذاریم شهر و عناصر قدرت شهری دچار یک سری تغییر و تحولات می‌گردد که در مواقعی این تحولات به نفع شهر بوده و در مواقعی نیز شهر دچار یک نوع سردرگمی و بحران گردیده است.

مشکینی، ابوالفضل و نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۷)، در پژوهش تحت عنوان "نقدی بر مدیریت زمین شهری کشورهای در حال توسعه کشور ایران" چنین مطرح می‌نماید که چشم انداز فرانهادی با مشارکت تمام سهامداران و سیاست‌های هماهنگ تدوین شود. همچنین هماهنگی عمودی (نهاد سطح ملی و نهاد ملی بالادستی) و افقی (یک نهاد با نهادهای هم سطح خود در سطح محلی) نهادها، به همراه تفویض اختیارات و مسئولیت مدیریت زمین شهری به نهادهای سطح محلی که ظرفیت سازی نهادی لازم را دارند، راهکار برون رفت از شرایط کنونی است.

لوسیا دوبروک^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان "زمانی که برنامه‌ریزان به بازیگران قدرت وابستگی دارند" معتقد است در حال حاضر برنامه‌ریزی به خودی خود با توجه مقیاس و زمان دارای اهداف متفاوتی است. برنامه‌ریزان با توجه به اهداف برنامه‌ریزی می‌توانند اقدامات مورد نظر خود را بدون هیچ‌گونه نگرانی خاصی از آینده عملیاتی کنند. بنابراین، برنامه‌ریزی با داشتن هدف می‌تواند به یک روال تبدیل شود و قدرت کارکردن در دوران خفقان را نیز داشته باشد.

تاج کومار کرکی^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان "آیا برنامه‌ریزان باید به سیاست ببینند؟ آیا این امر به آنها کمک می‌کند تا شهرهای بهتری داشته باشند" بدون قدرت و اقتدار سیاسی، تئوری‌های برنامه‌ریزی از نظر سیاسی آزاردهنده و کمک کمی به برنامه‌ریزان می‌کند. برنامه‌ریزان آگاه به سیاست می‌توانند فشارهای سیاسی را کم کنند. مطالعات صورت گرفته در این مقاله در کشورهای ایالات متحده، برزیل و نپال نشان می‌دهد؛ برنامه‌ریزانی که به سیاست پیوستند، قادر به انجام برخی از سخت‌ترین وظایف برنامه‌ریزی در شهرهایشان بوده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌کند برنامه‌ریزان باید در صورت امکان چنین موقعیتی را انتخاب نمایند.

میوچادانیکا و ویلیامز^۳ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان "سیاست و برنامه‌ریزی: نمونه موردی شهرهای زی‌مبابوه" به بررسی سه بعد از ابعاد روابط برنامه‌ریزی شهری و سیاست پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مخالفت سیاسی میان حاکم و حزب مخالف به شدت برنامه‌ریزی شهر و سهم آن در توسعه هماهنگ در شهرها را تحت تأثیر قرار

¹ Lucia Dobrucká

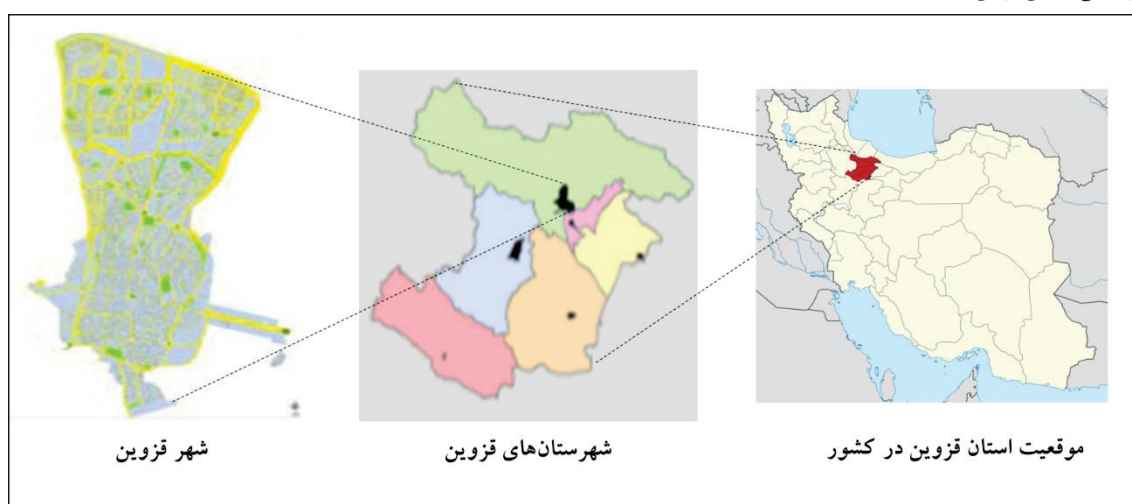
² Tej Kumar Kark

³ Muchadenyika and Williams

داده است. هم‌چنین، برنامه‌ریزان اغلب به سیاست شهروندی، ارزش‌گذاری به شهروندان شهری و اصول برنامه‌ریزی شهری متوسل می‌شوند. در نهایت، یکپارچگی و اعتبار برنامه‌ریزی به نظر می‌رسد تحت تهدید مستمر از بازیگران سیاسی است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر قزوین، مرکز استان قزوین، در بلندای ۱۲۷۸ متری از سطح دریا واقع شده است. جمعیت شهر قزوین از ۶۶۴۲۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۰۲۷۴۸ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. مطالعه سطوح کاربری اراضی در سطح شهر قزوین نشان‌دهنده آن است که کمبود سرانه‌های موجود در حوزه کاربری‌های آموزشی، تاسیسات و تجهیزات شهری، بهداشتی-درمانی و ورزشی تفریحی بیش‌ترین نمود را دارد.



شکل شماره ۱- موقعیت جغرافیایی شهر قزوین

Figure1: Geographical location of Qazvin

جدول ۱. رشد جمعیت شهری کشور و شهر قزوین (۱۳۳۵ - ۱۳۹۵)

Table1: The growth of the urban population of the country and the city of Qazvin (1956 - 2016)

سال	جمعیت کشور	جمعیت شهری کشور	رشد جمعیت شهری ایران %	جمعیت شهر قزوین	رشد جمعیت شهر قزوین %
۱۳۳۵	۱۸۹۸۷۷۰۴	۵۹۶۲۱۳۹.۱	-	۶۶۴۲۰	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۷۳۹۲۵.۶	۵.۰۲	۸۸۱۰۶	۲.۸۷
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۴۳۱۱۰	۴.۹۳	۱۳۹۲۵۸	۴.۶۸
۱۳۶۵	۴۹۴۴۹۰۱۰	۲۶۸۵۰۸۱۲	۵.۴۱	۲۴۸۵۹۱	۵.۹۷
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۴۰۱۴	۳.۲۱	۲۹۱۱۱۷	۱.۵۹
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۸۹۶۱۱	۲.۷۴	۳۴۹۸۲۱	۱.۸۵
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۵۶۸۶۴	۲.۱۴	۳۸۱۵۹۸	۱.۷۵

۱۳۹۵	۷۹۹۳۶۲۷۰	۵۹۱۵۲۸۴۰	۱،۹۷	۴۰۲۷۴۸	۱،۰۰۸
------	----------	----------	------	--------	-------

Source: Statistics Center of Iran, 2015

یافته‌ها و بحث

یافته‌های این پژوهش بر اساس مدل تحلیل سلسله مراتبی فازی صورت پذیرفته شده است. بر اساس مطالعات صورت گرفته شده عوامل مؤثر قدرت در شهر قزوین بر اساس ابعاد سیاسی-قانونی (ایدئولوژیک)، اجتماعی-فرهنگی (و هویتی)، اقتصادی و ارتباطی-زیرساختی مطرح شده است که در جدول شماره ۲ مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها نیز مطرح شده است.

جدول ۲. عوامل مؤثر قدرت در شهر قزوین

Table 2: Effective factors of power in Qazvin city

مفهوم	ابعاد	مؤلفه	زیرمؤلفه
رشد و توسعه شهر قزوین	سیاسی-قانونی (ایدئولوژیک)	قوانین و مقررات	قوانین موضوعی
	اجتماعی-فرهنگی (و هویتی)	عوامل سیاسی و ایدئولوژیک (ایدئولوژی عدالت گستری و حمایت از مستضعفان)	طرح توسعه شهری (جهت دهی رانته به توسعه شهر) اعمال نفوذ ذی‌نفعان
			مصوبات شورای عالی شهرسازی و معاری
	اقتصادی	ضعف قدرت سیاسی	اجرای قانون زمین شهری (طرح آماده‌سازی زمین)
			به حاشیه رانده شده مدیریت شهری (در دوران پس از انقلاب و جنگ)
	ارتباطی-زیرساختی	مهاجرت (ورودی-خروجی)	عدم استقلال عملکردی (شهرداری)
			اعمال نفوذ نهادهای مختلف در شهرداری
	ارتباطی	توسعه محدود خدماتی	سابقه پایتختی و نزدیکی به پایتخت فعلی
			وابستگی عملکردی به تهران-کرج
	ارتباطی	نیاز شهرداری به کسب درآمد	طبقاتی شدن شهر و ایجاد محلات کارگری
تکثر فرهنگی زبانی			
ارتباطی	نیاز به درآمد بیشتر جهت تأمین بودجه خدمات رسانی به مناطق	توسعه صنایع آلاینده-غیر مولد	
		گزینه‌ش روش های ناپایدار در درآمدزایی و وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری	
ارتباطی	زیرساختی	الگوی توسعه تاریخی، مبتنی بر عامل ارتباطی (شرقی-غربی)	
		عدم برآورده شدن نقش جنبی عناصر ارتباطی (حریم و حد توسعه) اتوبان قزوین-زنجان	
ارتباطی	ارتباطی	توسعه دسترسی به کرج و تهران	

Source: Authors, 2020

پس از تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها در این مرحله اقدام به ماتریس مقایسات فازی کرده که نتایج ۲۵ خبره مورد سنجش در جدول ۲ ارائه گردیده است. در جدول ۳ نیز اقدام به تجزیه و تحلیل مقایسات فازی می‌گردد تا بتوان بسط مرکب فازی و درجه ارجحیت آن مشخص گردد.

جدول ۳. نام‌گذاری مؤلفه‌های مؤثر قدرت در شهر قزوین

Table3: Naming the effective components of power in Qazvin city

نام‌گذاری	مؤلفه	ابعاد	مفهوم
X1	قوانین و مقررات	سیاسی-قانونی (ایدئولوژیک)	توزین قدرت شهر
X2	عوامل سیاسی و ایدئولوژیک (ایدئولوژی عدالت گستر و حمایت از مستضعفان)		
X3	ضعف قدرت سیاسی		
X4	جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)-تاریخی		
X5	مهاجرت (ورودی-خروجی)	اجتماعی-فرهنگی (و هویتی)	
X6	ایجاد شهرک های صنعتی (انتقال بخش مهمی از صنایع به شعاع ۲۰۰ کیلومتری تهران) تعطیلی طرح توسعه دشت قزوین (پیش از انقلاب)	اقتصادی	
X7	نیاز شهرداری به کسب درآمد		
X8	توسعه محدوده خدماتی		
X9	زیرساختی	ارتباطی-زیرساختی	
X10	ارتباطی		

Source: Authors, 2020

جدول ۴. مقایسات فازی نظرات خبرگان

Table4: Fuzzy comparisons of expert opinions

	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10																	
X1	1	0.723	0.816	0.982	0.691	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X2	1.543	1	0.648	0.876	0.816	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X3	0.740	0.723	1	0.905	0.905	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X4	2.038	0.816	0.905	1	0.946	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X5	0.991	0.816	0.905	0.946	1	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X6	1.073	0.723	0.905	0.746	1	1	0.491	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X7	0.863	0.816	0.905	0.567	0.491	1	1	0.491	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563
X8	1.348	0.723	0.905	0.880	0.816	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X9	1.354	0.816	0.905	0.880	0.816	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	
X10	1.696	0.816	0.905	0.880	0.816	0.491	0.394	0.327	1.009	0.723	0.547	0.932	0.705	1.456	1.159	0.876	0.656	0.742	0.557	0.412	0.957	0.739	1.525	0.993	0.743	0.563	

Source: Authors, 2020

سپس در جدول شماره ۵ وضعیت ماتریس مقایسات فازی ادغام شده مطرح شده است.

جدول ۵. بررسی وضعیت ماتریس مقایسات فازی ادغام شده

Table5: Investigating the state of the integrated fuzzy comparison matrix

Si بر Sk درجه ارجحیت		بسط مرکب فازی									جمع فازی هر سطر				
0.522	0.326	0.623	0.305	0.612	0.642	0.776	0.687	0.878	0.650	0.105	0.062	0.038	10.434	8.082	6.377
0.879	0.676	0.976	0.551	0.965	0.992	1	1	1	1	0.150	0.090	0.053	14.961	11.707	8.940
0.654	0.457	0.753	0.395	0.742	0.771	0.903	0.817	0.779	1	0.120	0.071	0.042	12.003	9.216	7.089
0.842	0.643	0.937	0.528	0.927	0.954	1	1	0.961	1	0.146	0.087	0.052	14.571	11.221	8.722
0.753	0.554	0.851	0.463	0.841	0.869	0.915	1	0.876	1	0.133	0.079	0.047	13.268	10.235	7.964
0.894	0.704	0.985	0.576	0.975	1	1	1	1	1	0.159	0.091	0.053	15.821	11.805	8.995
0.918	0.723	1	0.589	1	1	1	1	1	1	0.160	0.094	0.055	15.982	12.151	9.361
1	0.817	1	1	1	1	1	1	1	1	0.179	0.103	0.060	17.826	13.414	10.190
0.906	0.708	0.899	0.643	1	1	1	1	1	1	0.157	0.093	0.055	15.597	12.016	9.259

Source: Authors, 2020

در جدول شماره ۶، بعد از تجزیه و تحلیل مؤلفه ها اقدام به جمع فازی هر سطر می گردد تا بتوان بسط مرکب فازی را بدست آورد. بعد از تجزیه و تحلیل مرکب فازی، اقدام به محاسبه درجه ارجحیت می گردد. بنابراین، بعد از ارزیابی مؤلفه از لحاظ درجه ارجحیت اقدام به نرمال سازی این درجه ها می گردد تا وزن نهایی عامل ها مشخص گردد که در وضعیت نهایی هر کدام از عامل در جدول شماره ۵ ارائه گردیده است.

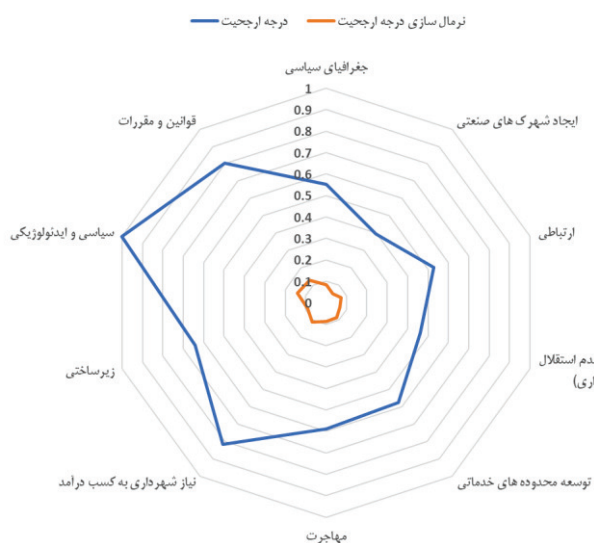
جدول ۶. وزن نهایی مؤلفه ها

Table6: Final weight of components

عامل ها	درجه ارجحیت	نرمال سازی درجه ارجحیت	rank
جغرافیای سیاسی	0.551	0.082	7
ایجاد شهرک های صنعتی	0.395	0.0520	10
ارتباطی	0.528	0.0751	8
ضعف قدرت سیاسی و عدم استقلال عملکردی (شهرداری)	0.463	0.0683	9
توسعه محدوده های خدماتی	0.576	0.0861	6
مهاجرت	0.589	0.0873	5
نیاز شهرداری به کسب درآمد	0.817	0.1115	2
زیرساختی	0.643	0.0910	4
سیاسی و ایدئولوژیکی	1.000	0.1392	1
قوانین و مقررات	0.805	0.1303	3

Source: Authors, 2020

همچنین در نمودار شماره ۱ وزن نهایی عوامل بر اساس درجه ارجحیت و نرمال سازی درجه ارجحیت نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱- وزن نهایی عوامل بر اساس درجه ارجحیت و نرمال‌سازی درجه ارجحیت

Chart 1: The final weight of the factors based on the degree of preference and the normalization of the degree of preference

مؤلفه سیاسی و ایدئولوژیکی بر مبنای عدالت گستری و حمایت از مستضعفان از معیار سیاسی-قانونی با توجه به امتیاز نهایی (۰,۱۳۹۲) حاصل از مدل مورد سنجش در جایگاه اول قرار گرفته است و نشان از اهمیت این مؤلفه در بین مؤلفه‌ها می‌باشد و نقش مؤثری در قدرت در محدوده مورد مطالعه داشته است. این مؤلفه دارای زیرمؤلفه‌های به حاشیه رانده شدن مدیریت شهری (در دوران پس از انقلاب و جنگ)، تملک اراضی توسط بخش دولتی و حاکمیتی ورود بخش دولتی- تعاونی به حوزه ساخت و ساز مسکن، عدم التزام افراد ذی‌نفوذ به قوانین مصوب، تملک زمین و تغییر کاربری توسط دستگاه‌ها و نهادهای دولتی-حکومتی، از بین رفتن رقابت در بازار مسکن (رواج ساخت و ساز مسکن رانتی) می‌باشد. هم‌چنین، مؤلفه نیاز شهرداری به کسب درآمد از بعد اقتصادی در جایگاه دوم قرار گرفته است که دارای زیرمؤلفه‌های گزینش روش‌های ناپایدار در درآمدزایی، وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری و صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز، توجه به کمیسیون ماده ۱۰۰ به عنوان منبع درآمدی تراکم‌فروشی است.

سپس، مؤلفه قوانین و مقررات از بعد سیاسی-قانونی در جایگاه سوم قرار گرفت و دارای زیرمؤلفه‌های قوانین موضوعی بر مبنای قانون ۱۲۰ کیلومتری از شعاع تهران و قانون تشکیل استان قزوین، سه طرح توسعه شهری (جهت دهی رانتی به توسعه شهر) اعمال نفوذ ذی‌نفعان، مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، اجرای قانون زمین شهری (طرح آماده‌سازی زمین) می‌باشد. مؤلفه زیرساختی نیز از بعد ارتباطی-زیرساختی در رتبه چهارم قرار گرفته است و دارای زیرمؤلفه‌های الگوی توسعه تاریخی، تبعیت از عامل ارتباطی (شرقی-غربی)، عدم برآورده شدن نقش‌های جانبی عناصر ارتباطی (حریم و حد توسعه) (اتوبان قزوین-زنجان)، جدایی‌گزینی طبقاتی مبتنی بر لبه‌های راه، الگوی توسعه با جهت شمالی (در تضاد با

الگوی تاریخی)، عدم توان بازدارنده لبه‌ها در مهار رشد شهری، از هم پاشیدگی اجزای شهر (با اتوبان و راه آهن) و تعریف شهر به عنوان شهر میان راهی می‌باشد.

از سوی دیگر، مؤلفه‌ای که در جایگاه پنجم قرار گرفت مؤلفه مهاجرت (ورودی و خروجی) از بعد اجتماعی-فرهنگی می‌باشد که شامل زیرمؤلفه‌های طبقاتی شدن شهر و ایجاد محلات کارگری، ایجاد محلات کارگری (مینوشهر، ۵۰۰ هکتار)، رکود بافت قدیم شهر، افزایش تقاضا برای زمین شهری، نارضایتی جامعه محلی (مهاجرت متمولین شهر به پایتخت)، تکثر فرهنگی زبانی، تبدیل شهر به قانونی مطلوب برای اقوام مختلف بیگانگی اجتماعی، افزایش جرم و بزه‌کاری اجتماعی می‌باشد. مؤلفه متعلق به جایگاه ششم از عوامل مؤثر قدرت در شهرسازی شهر قزوین، توسعه محدودهای خدماتی از بعد اقتصادی می‌باشد که شامل زیرمؤلفه‌های نیاز به درآمد بیشتر جهت تأمین بودجه خدمات‌رسانی به مناطق، عرضه زمین بیشتر، تخریب باغات شمالی شهر، جذب نیروی بیشتر (بر مبنای رابطه و با توجه به گسترش محدوده)، وابستگی درآمدی شهرداری‌ها به دولت، خدمات‌رسانی بیشتر به محدوده شمالی شهر (فضای سبز و سایر کاربری‌های خدماتی)، رشد افقی شهر، گسیختگی شهری، بدمسکنی، بی‌هویتی شهری می‌باشد.

مؤلفه بعدی مؤلفه جغرافیای سیاسی از بعد سیاسی-قانونی است که در جایگاه هفتم قرار گرفته و شامل زیرمؤلفه‌های سابقه پایتختی و نزدیکی به پایتخت فعلی، وابستگی عملکردی به تهران-کرج توسعه متکی بر اولویت تهران کرج (توسعه برون‌زا)، عدم تبعیت از الگوی توسعه تاریخی (شرقی-غربی) می‌باشد. جایگاه هشتم به مؤلفه ارتباطی از بعد ارتباطی-زیرساختی تعلق گرفت که شامل زیرمؤلفه‌های توسعه دسترسی به کرج و تهران، عدم تعریف مبدا و مقصد (از قزوین) می‌باشد. مؤلفه ضعف قدرت سیاسی و عدم استقلال عملکردی (شهرداری) از بعد سیاسی-قانونی در جایگاه نهم قرار گرفت که دارای زیرمؤلفه‌های اعمال نفوذ نهادهای مختلف در شهرداری، تبعیت شهرداری از اراده نهادهای دولتی-حکومتی، آشفتگی و عدم ارائه تصویری روشن از حقوق و وظایف شهرداری می‌باشد. در نهایت مؤلفه دهم از بعد اقتصادی، ایجاد شهرک‌های صنعتی می‌باشد که شامل زیرمؤلفه‌های توسعه صنایع آلاینده-غیر مولد، سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی با سیاست‌های کلان رشد نقدینگی و رشد اقتصادی و افزایش نرخ بهره بانکی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، انتقال مازاد صنعتی به تهران می‌باشد.

به‌طور کلی، عواملی هم‌چون اصلاحات ارضی، افزایش قیمت نفت و رشد بخش خدمات در شهرها، وقوع انقلاب اسلامی، بی‌نظمی در اداره شهر و عدم تبعیت از طرح توسعه شهری با اجرای طرح‌هایی نظیر زمین شهری (طرح آماده‌سازی زمین شهری) و افزایش جاذبه سکونت شهری (به همراه تشویق زاد و ولد توسط حکومت)، وقوع جنگ تحمیلی و خارج شدن مدیریت شهری از اولویت‌های کشور (وظیفه مدیریت شهری تبدیل شدن مدیریت شهری به تأمین‌کننده نیازهای جبهه)، دخالت دولت در بخش مسکن و خارج نمودن مسکن از حالت رقابتی (فراهم نمودن دخالت‌های رانتی در مسکن و جهت‌دهی توسعه شهر با اراده بخش دولتی-رانتی)، مهاجرت به شهر به منظور برخورداری از رانت (زمین مجانی) ایجاد

شده، ایجاد استان قزوین و نیاز به نیروی ستادی و کادر اداری سازمان‌ها و ادارات مرتبط با مدیریت استان، شهرستان و شهر، رواج بورس بازی و سفته بازی زمین و مسکن (با توجه به افزایش نقدینگی، تورم، نرخ بهره در کشور)، فوران قیمتی و افزایش بی رویه قیمت زمین و مسکن و اجاره، تثبیت تفکیک طبقاتی نواحی شهری (فقیر و مرفه)، مهاجرت معکوس (از قزوین به سایر شهرهای مجاور) به واسطه عدم تأمین هزینه‌های مسکن در این شهر از دلایل عمده رشد شهر قزوین تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

بر اساس نتایج پژوهش مؤلفه‌های اثرگذار قدرت در توسعه شهری به ترتیب شامل مؤلفه سیاسی و ایدئولوژیکی بر مبنای عدالت‌گستری و حمایت از مستضعفان از معیار سیاسی-قانونی، نیاز شهرداری به کسب درآمد از بعد اقتصادی، قوانین و مقررات از بعد سیاسی-قانونی، مؤلفه زیرساختی از بعد ارتباطی-زیرساختی، مؤلفه مهاجرت (ورودی و خروجی) از بعد اجتماعی-فرهنگی، جغرافیای سیاسی از بعد سیاسی-قانونی، مؤلفه ارتباطی از بعد ارتباطی-زیرساختی و ضعف قدرت سیاسی و عدم استقلال عملکردی (شهرداری) از بعد سیاسی-قانونی می‌باشد. با توجه به رتبه‌بندی و تعیین اولویت‌های مطرح شده در این پژوهش می‌توان چنین مطرح نمود که زایش قزوین معاصر معلول خواست و اراده قدرت سیاسی متمرکز در پایتخت کشور بوده است، بدین معنا که ناگزیری قدرت سیاسی حاکم بر کشور در مرحله‌ای از تجربه زیسته مدیریت کشوری، تصمیم می‌گیرد بخشی از بار و چالش زیست‌محیطی (ناشی از فعالیت‌های صنعتی) ایجاد شده بر دوش کلانشهر تهران به بخش دیگری از کشور منتقل نماید. اما باز قدرت حاکم تاب دوری بیش از اندازه کارکرد صنعتی را نداشته و طبق قانون کارکردهای مورد اشاره را به شعاع ۱۲۰ کیلومتری خود منتقل می‌تواند. بزرگ شده دستگاه اداری، بروکراسی اداری، گسترش وظایف و ارائه خدمات بالاتر به شهروندان که مدام بر تعداد آنان افزوده می‌شود باعث واگذاری بخش دیگری از اختیارات مرکز، و اینبار اختیارات سیاسی، در قالب تشکیل استان جدیدی به نام استان قزوین متجلی گردید. اعتبار و اهمیت قزوین امروزی معلول دو قانون و دو واگذاری اختیارات مرکز به پیرامون (در قالب تمرکززدایی با نشت توسعه) به وجود آمده است. بدین معنا هیچ‌کدام از دو فرآیند نتیجه جریان روش طبیعی اقتصاد و سیاست در سطح استان قزوین نبوده است و به عنوان بخشی از قدرت تفویض شده باعث ایجاد نظم جدید و توسعه سکونتگاه قزوین شده‌اند. در حوزه توسعه صنعتی، بایستی تلاش صورت گیرد که جهت‌گیری آتی توسعه صنایع در شهر، شهرستان و استان قزوین به سمت صنایع پاک، با تکنولوژی بالا و دانش‌بنیان باشد، چنین ظرفیتی با توجه به قابلیت‌ها و قدرت سیاسی واگذار شده به استان قزوین (تشکیل استان قزوین) تا حدود زیادی قابل اجرا است. این عامل با ارتقای جایگاه و نقش مستقل شهر قزوین (نه به عنوان سکونتگاهی که در تکمیل نقش‌های کارکردی-عملکردی شهر و استان تهران و البرز) به عنوان شهری مستقل پیشرو و با قابلیت‌های توسعه درون‌زا مطرح نموده و اقتصاد و اجتماع پایدارتری را به ارمغان خواهد آورد. در ارتباط با توسعه درونی شهر قزوین، مشخص گردید که رشد درونی شهر مبتنی بر دخالت سایر نهادهای دولتی-حکومتی،

ضعف جایگاه و قدرت سیاسی در رابطه با سایر نهادهایی که بازیگران نقش‌های مختلف در قلمرو شهر قزوین هستند (این نهادها و سازمان‌ها عموماً متصل به وزارت‌خانه، نهاد و یا سازمان مستقر در مرکز کشور هستند-چه به لحاظ مکانی و چه به لحاظ قدرت سیاسی) و همواره توان دیکته خواسته‌های خود به شهرداری قزوین هستند. چنین وضعی شهرداری را وادار به تمکین در برابر سازمان‌های مختلف می‌نماید.

References

- رحیمی، محمد (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل عناصر قدرت شهری در دوره‌های تاریخی و معاصر، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۷، سال هفدهم، شماره ۳۳، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- مشکینی، ابوالفضل و نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۷). نقدی بر مدیریت زمین شهری کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی: ایران)، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۱۳۹۷، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۸۰۹-۸۲۹.
- نژاد بهرام، زهرا و جلیلی، سید مصطفی (۱۳۹۹). تبیین مفهوم قدرت شهر و اثرات آن در فرایندهای توسعه شهر تهران، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳۹۹، دوره ۱۳، شماره ۳۳، صص ۲۶۷-۲۷۸.
- Ajorlou, Ismail, Taheri, Daniel (2016). Introduction to the Concepts of Public Law Studying the Concept of "Political Power", Guardian Council Research Institute, Office of Islamic Systems Studies, 1-22.
- Aunphattanasilp, Chumphol. (2019). Civil society coalitions, power relations, and socio-political ideas: Discourse creation and redesigning energy policies and actor networks in Thailand. *Energy Research & Social Science*, pp. 101-271.
- Belz, Thomas. Hagen, Dominikvon. Steffens, Christian. (2019) Taxes and firm size: Political cost or political power?" *Journal of Accounting Literature*. Vol. 42, pp.1-28.
- Dobrucká, Lucia (2018). When Planners Depend on Powerful Actors: Automatism Versus Intention, *Planning Theory*, Vol 17(2), 234-252.
- Dobrucka, Lucia. (2018) When planners depend on powerful actors: Automatism versus intentions. *Planning Theory*, Vol. 17, No. 2, pp. 234-252.
- Dunleavy, P. (2012), *Urban Political Analysis*, London: Macmillan.
- Forester, J. (1999), *the Deliberative Practitioner: Encouraging Participatory Planning Processes*, Cambridge: The MIT Press.
- Hadizadehmoghadam, A. (1997). Dual power analysis models and organizational politics. *Management Studies in Development and Evolution*, 6(23.24), 159-176.
- Harris, John. Russell, Zachary. Maher, Liam. Ferris, Gerald. (2015) *Power, Politics, and Influence in Organizations*. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition). J. D. Wright. Oxford, Elsevier: pp.770-775.
- Harvey, D. (2009), "Urbanization under Capitalism: a Framework for Analysis", *International Journal of Urban and Regional Research*, vol.2, N0. (1-4), 101-131.
- Johnston, R. J. and et al. (2017) *the Dictionary of Human Geography* (4th.ed), Wiley-Blackwell.
- Kamete, Amin Y (2012). "Interrogating planning's power in an African city: Time for reorientation." in *Journal of Planning Theory*, No. 11(1), pp. 66-88.
- Karki, Tej Kumar (2017). Should planners join politics? Would that help them make better cities, *PLANNING THEORY*, VOL 16(2), 186-202
- Karki, Tej Kumar. (2017) Should planners join politics? Would that help them make better cities, *Planning Theory*, Vol. 16, No.2, pp.186-202.
- Kazemian, Gholamreza (2018). An Introduction to the Model of Urban Governance, *Quarterly Journal of Urban Studies*, No. 19-20.

- Li, Li. Lien, Donald. Wu. Yiping. Zhao, Yang. (2017) Enforcement and Political Power in Anticorruption Evidence from China. *World Development* Vol. 98, pp.133-147.
- Mansoori, Maryam (2015). Governance and Society in the Thought of Michel Foucault, *Journal of Research Culture*, No. 22, Special Social Sciences, 120-130
- Meshkini, Abolfazl. Normohamadi, Mahdi. (2018). A Critique of Urban land Management in Developing Countries (Case Study: Iran). *Human Geography Research*, Vol. 50, No. 4, pp. 809-829, [in Persian].
- Muchadenyika, D. Williams, J.J. (2017). Politics and the practice of planning: The case of Zimbabwean cities. *Cities*, 63: 33-40.
- Muchadenyika, Davison. & Williams, John. (2017) Politics and the practice of planning: The case of Zimbabwean cities, *Cities*, Vol. 63, pp.33-40.
- Nabavi, Seyed Abbas (2009). *Philosophy of Power*, Tehran, Samat, fourth edition, 110-125.
- Nezhadbahram, Z., Jalili, S. (2021). Explanation of “Urban Power” and Its Effects on the Development Process of Tehran City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 13(33), 269-280.
- Nightingale, Andrea J. (2017) Power and politics in climate change adaptation efforts: Struggles over authority and recognition in the context of political instability, *Geoforum*.Vol. 84, pp. 11-20.
- Rahimi, Mohammad. (2018) Study and analysis of elements of urban power in historical and contemporary periods, *Journal of Iranian Studies*, Vol. 33, No. 17, pp. 155-176, [in Persian].
- Rashid, Mahbub. & Alobaydi, Dhirgham. (2015) Territory, politics of power, and physical spatial networks: The case of Baghdad, Iraq, *Habitat International*, Vol. 50, pp. 180-194.
- Schmidt, Kaisa & Thomé and Raine Mäntysalo., (2014), “Interplay of Power and Learning in Planning Processes: A Dynamic View”, in *Journal of Planning Theory*, Vol. 13(2), pp.115-135
- Seif, Allah Morad, Eftekhari, Asghar, Ezzati, Morteza and Mohammad Taghi Ramezani (2013). The concept of soft economic power; Development of Conventional Soft Power Theory in Economics, *Basij Strategic Studies Quarterly*, Year 16, No. 58. 12-13
- Sharmand Consulting Engineers (2014). *Methods of implementing urban development plans; Investigating the experiences of preparing and implementing urban development plans in Iran*, Tehran, Ministry of Interior Publications of the Organization of Municipalities and Rural Affairs.19-25.
- Spiegel, Samuel J. (2017) EIAs, power and political ecology: Situating resource struggles and the technopolitics of small-scale mining, *Geoforum*, Vol. 87, pp.95-107.
- Stevenson, Angus (2010). *Oxford dictionary of English*. New York, NY: Oxford University Press. ISBN 978-0-19-957112-3.

**Analysis of the effect of power on urban development by FAHP method
Case study: Qazvin city (1978-2018)**

Hooman Babapour

Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Azad University, Qazvin, Iran

Zohreh Davoudpour *

Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Azad University, Qazvin, Iran

Maryam Moinifar

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Azad University, Qazvin, Iran

Abstract

The city is the space of interaction of different powers; where the concentration of powers and cultures are crystallized. Power is considered as an "institution" and government is considered as a "structure". Also, their relationship between institution and structure is determined based on these two concepts that affect the development of the city. Therefore, in this article, the effective factors of power in the development of Qazvin city were analyzed based on political-legal (ideological), socio-cultural (identity), economic and communication-infrastructure dimensions. This research was descriptive-analytical based on the method as well as being applied based on the purpose of the type in which the research data was analyzed using fuzzy hierarchical analysis model. Also, in order to assess the impact of effective factors of power in the city of Qazvin, 25 experts had been used and through interviews, their views and opinions had been extracted. The results indicated that the political and ideological component is in the first place and in terms of effectiveness had played the greatest role in the power of urban planning in Qazvin. The components of the municipality's need for revenue and laws and regulations were in the second and third places, respectively. Finally, the components of communication, weakness of political power and lack of functional independence (municipality) and the creation of industrial towns played the least role in the power of urban planning in Qazvin, respectively.

Keywords: Power, urban planning, urban development, Qazvin.

* (Corresponding Author) Zdavoudpour@yahoo.com